

حقوق اهل بیت علیهم السلام بر مسلمانان در منابع اهل سنت

حجت الاسلام والمسلمین حمیدالله رفیعی زابلی*

اشاره

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، الگو و چراغ هدایت جامعه هستند. بنابراین ضروری است تا با الهام گرفتن از سیره رفتاری و عملی اهل بیت علیهم السلام، زمینه ارتقای رفتاری و معنوی خود را فراهم آوریم. الگو قرار دادن اهل بیت علیهم السلام در مرحله اول، مستلزم شناخت حقوق آنان و عمل به آن است. باورمندی به مقام والای اهل بیت علیهم السلام و اعتقاد به رعایت حقوق آنان به شیعه اختصاص ندارد و در منابع اهل سنت نیز حقوق اهل بیت علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته است. نوشتار حاضر ضمن معرفی اهل بیت علیهم السلام، بر اساس متون معتبر اهل سنت به حقوق آنان که رعایت آن بر مسلمانان واجب است، پرداخته است. حقوق اهل بیت علیهم السلام بر مسلمانان از سنخ حقوق مالی و امثال اینها نیست که منفعت مالی و دنیایی را به اهل بیت علیهم السلام برسانند؛ بلکه در حقیقت این خود مسلمانان هستند که از رعایت حقوق اهل بیت علیهم السلام بهره‌مند می‌گردند و زمینه کمال و سعادت خود را فراهم می‌کنند. بنابراین حقوق اهل بیت علیهم السلام از سنخ حقوق قرآن کریم است که بر مسلمانان واجب شده است. اینک به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. حق معرفت

یکی از حقوق مهم و اساسی اهل بیت علیهم السلام بر مسلمانان، معرفت و شناخت آنان است. با توجه به حق محبت و حق اطاعت که در قرآن و احادیث نبوی بر مسلمانان

* مدیر گروه ادیان و مذاهب مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم.

واجب گردیده است، لازم است مسلمانان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام شناخت کامل داشته باشند تا به آنان محبت، و از آنان اطاعت نمایند. این شناخت برای مسلمانان بر طبق احادیث نبوی و برخی از آیات قرآن کریم، امکان‌پذیر است.

مصدق اهل بیت علیهم‌السلام بنا بر منابع معتبر اهل سنت، پیامبر اسلام، امام علی علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیها‌السلام و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام هستند که در زمان نزول آیه تطهیر حضور داشته‌اند. در کتاب صحیح مسلم از زبان عایشه همسر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: روزی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بین طلوعین، کسایی (جامه، عبا) را که از پشم سیاه بافته شده بود، بر روی خود انداخت. در این هنگام حسن بن علی آمد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را در کنار خود زیر کسا برد. سپس حسین آمد، او هم زیر کسا رفت. بعد از او فاطمه دختر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد، او هم داخل کسا شد و بعد از او علی آمد و در زیر کسا در کنار آن‌ها قرار گرفت. در این زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱.

در کتاب مستدرک حاکم نیشابوری و کتاب‌های دیگر اهل سنت نیز از زبان ام سلمه، همسر دیگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که وقتی آیه تطهیر در خانه او بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی علیه‌السلام، فاطمه علیها‌السلام، حسن و حسین علیهم‌السلام را در زیر کسا جمع کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي». ام سلمه می‌گوید من عرض کردم: «آیا من از اهل بیت نیستم؟». فرمود: «تو اهل منی و با خیر هستی و اینان اهل بیت من هستند»^۲.
آلوسی از مفسران مشهور اهل سنت، درباره مصداق اهل بیت علیهم‌السلام که در احادیث نبوی ذکر شده است، می‌گوید:

ظاهر حدیث صحیح رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ وَفِي رِوَايَةٍ تَقْلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ»، اقتضا می‌کند که همسران مطهر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داخل در اهل بیت که یکی از دو تقلین است، نمی‌شوند؛ زیرا عترت هر مردی چنانکه در صحاح آمده است، بر نسل بعد از او اطلاق می‌شود و کلمه اهل بیت در این حدیث، بیان یا بدل از عترت است.^۳

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۴ ص ۱۸۸۳.

۲. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۲، ص ۴۵۱ و ج ۳، ص ۱۵۹.

۳. محمود بن عبدالله آلوسی؛ روح المعانی؛ ج ۲۲، ص ۱۶.

مناوی نیز در ضمن شرح این حدیث گفته است که اهل بیت علیهم السلام در این حدیث به عنوان تفصیل بعد از اجمال بیان عترت یا بدل از آن است و مراد از آن، اصحاب کساست که خداوند رجس را از آنان زدوده و پاک و طاهرشان قرار داده است. آنان کسانی هستند که به گفته قرطبی، پیروی از نواهی و اوامر و اقتدا به سیره آنان موجب هدایت و نجات ابدی از گمراهی می شود و این وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و تأکید مهم آن حضرت برای کسی عذری باقی نمی گذارد؛ به ویژه که حضرت فرموده است قرآن و عترت تا روز قیامت هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه در حوض کوثر بر ایشان وارد گردند. این تصریح بر این است که قرآن و عترت، متلازم و توأم همدیگر هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ها را برای تمسک کردن در دین بعد از خودش بر جای گذاشته است.^۱

۲. حق محبت

محبت اهل بیت علیهم السلام و اجتناب از دشمنی با آنان، از حقوق مسلم است که بر مسلمانان واجب گردیده است. محبت اهل بیت علیهم السلام از حقوقی است که در قرآن کریم به آن تصریح شده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛^۲ من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیت]». این آیه شریفه به اتفاق مفسرین شیعه و سنی، دلالت روشن بر وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام دارد که عبارتند از امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن و حسین علیهم السلام. در کتاب های معتبر اهل سنت آمده است هنگامی که آیه مودت نازل شد، از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: «این قرابت شما کیست که محبت آنان بر ما واجب گردیده است؟». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علی و فاطمه و دو فرزند او».^۳ ابی سعود در ذیل همین مطلب گفته است: «هُرِمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَأَذَانِي فِي عِتْرَتِي».^۴ همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره دشمنی با اهل بیت علیهم السلام فرموده است: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ

۱. ر.ک: محمد عبدالرؤوف المناوی؛ فیض التقدیر شرح الجامع الصغیر؛ ج ۳، ص ۱۴ و ۱۵.

۲. شوری: ۳۳.

۳. محمود بن عمر زمخشری؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ ج ۴، ص ۲۲۳ و ۲۲۴؛ محمد بن احمد قرطبی؛ الجامع لاحکام القرآن؛ ج ۱۶، ص ۲۲.

۴. محمد بن محمد ابی سعود؛ تفسیر ابی سعود؛ ج ۸، ص ۳۰.

لَا يَبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَجُلٌ (احد) إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى النَّارَ؛^۱ قسم به آن کسی که جان من در دست اوست، کسی با ما اهل بیت دشمنی نمی‌کند؛ مگر اینکه خدا او را داخل جهنم کند». آلوسی در ذیل این حدیث می‌گوید: «حق این است که محبت اهل بیت پیامبر ﷺ واجب است و هر چه این قرابت قوی‌تر باشد، محبت شدیدتر می‌گردد. پس محبت علویان و فاطمیان از همه محبت‌ها لازم‌تر و شدیدتر است».^۲

اهل سنت از پیامبر ﷺ روایت مفصلی مبنی بر محبت اهل بیت ﷺ نقل کرده‌اند که برخی از فرازهای آن چنین است:

آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، شهید مرده است. آگاه باشید هر کس بر حب آل محمد از دنیا برود، بخشیده شده از دنیا رفته است ... و آگاه باشید هر کس بر محبت و دوستی آل محمد از دنیا برود، خداوند قبرش را محل زیارت ملائکه جهان قرار می‌دهد ... آگاه باشید هر کس بر غضب آل محمد بمیرد، کافر از دنیا رفته است و بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید.^۳

یکی از حقوق اهل بیت ﷺ در حوزه محبت، فرستادن صلوات بر آنان است. حدیثی در کیفیت صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد ﷺ در کتاب‌های معتبر اهل سنت، از جمله صحیح بخاری چنین نقل شده است:

سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلَّمَنَا كَيْفَ نَسَلَمُ عَلَيْكُمْ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛^۴ از رسول خدا ﷺ سؤال کردیم که صلوات بر شما اهل بیت چگونه است؛ چون خداوند فرستادن سلام را بر شما به ما آموخته است؟ پیامبر فرمود: بگویید خدایا بر محمد و اهل بیت او درود فرست، هم‌چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده باشکوهی. خدایا بر محمد و اهل بیت او برکت ارزانی دار، هم‌چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت ارزانی

۱. ابوحاتم محمد بن حبان بستی؛ صحیح ابن حبان؛ ج ۱۵، ص ۴۳۵؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۳، ص ۱۶۲.
۲. محمود بن عبدالله آلوسی؛ روح المعانی؛ ج ۲۵، ص ۳۲.
۳. ابراهیم بن محمد جوینی؛ فرائد السمطین؛ ص ۲۵۵ و ۲۵۶.
۴. محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح بخاری؛ ج ۴، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

داشتی که تو ستوده باشکوهی.

اهمیت فرستادن صلوات بر اهل بیت علیهم السلام، تا آنجاست که از سوی خداوند جزئی از تشهد نماز قرار داده شده و به همین دلیل امام شافعی درباره اهل بیت علیهم السلام شعری سروده و محبت آنان را بر همه مسلمانان فرض دانسته است:

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ
فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
يَكْفِيكُمْ مِنَ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ
مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَمْ صَلَاةً لَهُ^۱

ای خاندان رسول خدا! محبت شما در قرآن از طرف خداوند بر ما فرض واجب شده است. در عظمت و بزرگواری شما همین بس که هر کس به شما صلوات نفرستد، نمازش قبول نیست.

بنابراین محبت اهل بیت علیهم السلام هم در قرآن کریم و هم در احادیث نبوی، یک فریضه است که مسلمانان باید به آن مقید باشند.

۳. اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

حق اطاعت و پیروی مسلمانان از اهل بیت علیهم السلام، از حقوقی است که در قرآن و احادیث نبوی بر مسلمانان واجب گردیده است. احادیث نبوی مانند حدیث ثقلین، حدیث سفینه و امثال آنها، پیروی از اهل بیت علیهم السلام را بر امت اسلامی واجب می‌کند. این احادیث پیروی از اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن کریم، تنها علت نجات از گمراهی و مایه رستگاری دانسته است. بنابراین این حق از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حقوق اهل بیت علیهم السلام است که مسلمانان باید آن را رعایت کنند؛ یعنی اهل بیت علیهم السلام را به عنوان رهبران دینی و مرجعیت علمی بپذیرند.

دلالت قرآن بر وجوب اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

اطاعت از اهل بیت علیهم السلام تا آنجا با اهمیت و سرنوشت‌ساز است که قرآن، اطاعت آنان را در کنار اطاعت از خداوند قرار داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر و اولی الامر از خودتان را...». قرآن در این آیه به اطاعت بی‌قید و شرط از

۱. ابی بکر بن سید محمد دیامطی؛ حاشیة إعانة الطالبین؛ ج ۱، ص ۱۷۱.

۲. نساء: ۵۹.

خدا و رسول و اولی الامر دستور داده است.

فخررازی آیه شریفه اطاعت اولی الامر را در کنار اطاعت خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به صورت مطلق بر مسلمانان لازم نموده است. اطاعت از اولی الامر با این جزم و قطع از سوی خداوند، به این معناست اولی الامر باید معصوم از خطا باشند؛ زیرا اگر معصوم از خطا نباشند و مرتکب خطا شوند، در حقیقت خداوند مسلمانان را به متابعت از خطا امر نموده است و خطا، به دلیل اینکه منهی عنه است و جمع بین امر و نهی در یک چیز لازم می‌گردد که محال است. بنابراین هر کسی که خداوند به صورت جزم به پیروی از او دستور داده است، باید معصوم باشد تا این محال لازم نیاید. از این رو اولی الامر مذکور در این آیه، باید معصوم باشند.^۱ حال فخررازی در عین حال از مشخص نمودن مصداق اولی الامر که معصوم هستند، عاجز مانده است، اما با توجه به آیه تطهیر و حدیث ثقلین، اولی الامر که معصوم باشند؛ منطبق بر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌شود. بنابراین اطاعت از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام مانند اطاعت از خدا و پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بر همگان لازم و واجب است.

دلالت احادیث بر وجوب اطاعت از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

افزون بر متون معتبر شیعه، بر طبق متون اهل سنت نیز حدیث ثقلین که حق رهبری و مرجعیت علمی اهل بیت را ثابت می‌کند، به صورت‌های گوناگون نقل شده است. در یکی از نقل‌ها رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسیر راه مکه و مدینه، بعد از حمد و ثنای خداوند و موعظه خطاب به مردم فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا إِنْ اتَّبَعْتُمُوهُمَا وَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ وَأَهْلُ بَيْتِي عِترَتِي...»^۲ ای مردم من در میان شما دو چیز را بر جای گذاشتم، اگر از آن‌ها متابعت کنید؛ هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو، کتاب خدا و اهل بیت و عترتم هستند».

بنا بر روایات اهل سنت، حدیث ثقلین در غدیر خم از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صادر شده است.^۳ این حدیث در سنن ترمذی،^۴ مسند احمد^۵ و در بیشتر کتاب‌های تفسیری،

۱. محمد بن عمر فخررازی؛ مفاتیح الغیب؛ ج ۱۰، ص ۱۱۳.

۲. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۳، ص ۱۱۸.

۳. احمد بن شعیب نسائی؛ فضائل الصحابه؛ ص ۱۴.

۴. محمد بن عبسی ترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۵، ص ۶۶۳.

۵. احمد بن محمد ابن حنبل شیبانی؛ مسند احمد؛ ج ۳، ص ۱۴.

حدیثی و تاریخی اهل سنت نقل شده است که نیازی به نقل آن از همه این کتاب‌ها نیست. در تفسیر بحرالمحیط آمده است:

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخرین خطبه در حالی که مریض بود، فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ إِنَّهُ لَنْ تُعْمَى أَبْصَارُكُمْ وَلَنْ تَصِلَ قُلُوبُكُمْ وَلَنْ تَنْزِلَ أَقْدَامُكُمْ وَلَنْ تُقْصِرَ أَيْدِيكُمْ كِتَابَ اللَّهِ سَبَبٌ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ طَرْفُهُ بِيَدِهِ وَطَرْفُهُ بِأَيْدِيكُمْ فَاعْمَلُوا بِمَحْكَمِهِ وَآمِنُوا بِمُتَشَابِهِهِ وَ أَحْلُوا حَلَالَهُ وَ حَرَّمُوا حَرَامَهُ أَلَا وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ عَتْرَتِي وَهُوَ الثَّقَلُ الْآخِرُ فَلَا تَسُبُّوهُمْ فَتَهْلِكُوا»^۱.

ملاعلی قاری حنفی در شرح این حدیث می‌گوید:

اینکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ»، اشاره بر این است که این دو ثقل توأم با هم هستند. این مطلب بسیار روشن است که اهل بیت اعرف به صاحب بیت و حالات اوست. پس مراد از آن، اهل علم از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است که از سیره پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اطلاع دارند و به حکم و حکمت او آشنا هستند و به همین دلیل صلاحیت دارند که در کنار قرآن قرار داشته باشند؛ زیرا خداوند فرموده «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۲.

مناوی نیز در ضمن شرح این حدیث گفته است:

اهل بیت در این حدیث به عنوان تفصیل بعد از اجمال بیان عترت یا بدل از آن است و مراد از آن، اصحاب کساء عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند که خداوند رجس را از آنان زدوده و پاک و طاهرشان قرار داده است. آنان کسانی هستند که به گفته قرطبی، پیروی از نواهی و اوامر و اقتدا به سیره آنان، موجب هدایت و نجات ابدی از گمراهی می‌شود و این وصیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تأکید بزرگ آن حضرت، برای کسی عذری باقی نمی‌گذارد؛ به‌ویژه که فرموده است قرآن و عترت تا روز قیامت هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض کوثر بر آن حضرت وارد شوند. این تصریح بر این است که قرآن و عترت، متلازم و توأم همدیگر هستند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن‌ها را برای تمسک در دین بعد از خودش بر جای گذاشته است.^۴

۱. محمد بن یوسف ابی حیان اندلسی؛ *البحر المحیط*؛ ج ۱، ص ۱۱۷.

۲. بقره: ۱۲۹.

۳. علی بن سلطان محمد قاری؛ *مرقاة المفاتیح*؛ ج ۱۱، ص ۳۰۷.

۴. ر.ک: عبدالرؤف مناوی؛ *فیض التقادیر*؛ ج ۳، ص ۱۴ و ۱۵.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که درباره حقوق اهل بیت علیهم السلام بر مسلمانان بیان گردید، رعایت این حقوق بر مسلمانان، واجب است و عدم رعایت آن‌ها، باعث بدفرجامی می‌شود و نتیجه آن، جز جهنم و عقاب الهی چیزی دیگری نخواهد بود. متأسفانه بیشتر مسلمانان نسبت به اهل بیت علیهم السلام از معرفت کافی و لازم برخوردار نیستند و بیشتر مسلمانان نه تنها به وظیفه‌شان در رعایت این حقوق عمل نکرده‌اند؛ بلکه برخی از آنان با اهل بیت علیهم السلام دشمنی کرده و آنان را یا با شمشیر به شهادت رسانده و یا آنان را مسموم نموده‌اند.

فهرست منابع

۱. ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد؛ *مسند احمد بن حنبل*؛ قاهره: مؤسسة قرطبة، [بی تا].
۲. ابی حیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ *البحر المحیط*؛ تحقیق الشیخ عادل احمد عبدالموجود و دیگران؛ چاپ اول بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۳. ابی سعود، محمد بن محمد؛ *تفسیر ابی سعود*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ *روح المعانی*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *صحیح بخاری*؛ بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی؛ *سنن الترمذی*؛ تحقیق احمد محمد شاکر و دیگران؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۷. جوینی، ابراهیم بن محمد؛ *فرائد السمطین*؛ بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۳۹۸ق.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ *المستدرک علی الصحیحین*؛ تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا؛ چاپ اول بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۹. دیامطی، ابی بکر بن سیدمحمد؛ *حاشیة إعانة الطالبین*؛ بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، [بی تا].
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ تحقیق عبدالرزاق المهدی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].

۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۲. قاری، علی بن سلطان محمد؛ *مرقاة المفاتیح*؛ تحقیق جمال عیتانی؛ چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لاحکام القرآن*؛ قاهره: دارالشعب، [بی تا].
۱۴. المناوی، محمد عبدالرؤوف؛ *فیض التقدیر شرح الجامع الصغیر*؛ چاپ اول، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ق.
۱۵. نسائی، احمد بن شعیب؛ *فضائل الصحابة*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا].
- نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ *صحیح مسلم*؛ تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].